



بررسی رابطه بین تفکیک جنسیتی و ارتقاء سطح اخلاقی در دانشگاه‌ها

محسن کهتری^{۱*}، جعفر گل محمدی^۲

چکیده

موضوع تفکیک یا عدم تفکیک جنسیتی در آموزش عالی، از موضوعات بحث‌برانگیزی است که از ابتدای بازگشایی دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی همواره به اشکال مختلف مورد بحث قرار گرفته و موافقان و مخالفان سرسختی داشته است. متأسفانه این موضوع کمتر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته و اکثر اظهارنظرها از پشتوانه علمی برخوردار نیست. این پژوهش با هدف بررسی نقش اجرای طرح جداسازی دختران و پسران بر ارتقاء یا افت سطح اخلاقی دانشجویان در دانشگاه‌ها نگاشته شده است. روش تحقیق این پژوهش اسنادی (کتابخانه‌ای) است و به شکل توصیفی، تحلیلی دیدگاه‌های موردنظر را از منابع مانند کتب و مقالات موردنقد و بررسی قرار داده است. در استخراج و جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح‌شده، تأثیرگذاری طرح تفکیک جنسیتی بر فضای اخلاقی دانشگاه‌ها در ۵ محور اساسی تبیین گردیده است. همچنین دو اشکال مخالفین الگوی تفکیک جنسیتی و پاسخ‌های مطروحه نیز مورد اشاره قرار گرفته است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد ایجاد فضاهای تک جنسیتی در دانشگاه‌ها بر ارتقاء سطح اخلاقی آنان ارتباط دارد. لذا لازم است در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها، به نحوی عمل شود تا اختلاط دختران و پسران در این فضا به نحو مطلوب مدیریت گردد.

کلید واژه‌ها: تفکیک جنسیتی، آموزش تک جنسیتی، اختلاط دختران و پسران، آموزش عالی

۱- دکترای مدرّسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی. دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.

mohsenkehtari@ut.ac.ir

۲- دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.

مقدمه

آنچه در نگاه ابتدایی به ویژگی‌های فضای آموزش عالی و دستورات اخلاقی به‌وضوح قابل فهم است، رابطه دوسویه این دو مفهوم با یکدیگر است. از طرفی اخلاقی شدن و توجه به آموزه‌های اخلاقی بر ارتقاء سطح علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و گرایش دانشجویان به علم‌آموزی و به‌کارگیری آن در خدمت‌رسانی عمومی مؤثر بوده و برای رسیدن دانشگاه به اهداف آموزشی خود نقش محوری دارد و از دیگر سو می‌توان به تأثیرگذاری فضای دانشگاه در ارتقاء سطح اخلاقی و فرهنگی دانشجویان و بلکه عموم جامعه توجه داشت. چنانکه مشخص است مجموعه‌های آموزشی به‌غیر از کارکردهای علمی درون دانشگاهی، وظیفه ایجاد تغییرات مثبت فرهنگی بر روی سبک زندگی دانشجویان و بلکه تمام آحاد مختلف جامعه را نیز دارد. دانشگاه، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارکان فرهنگی کشور است که مدیریت مناسب محیط آن می‌تواند بر دیگر اجزای جامعه نیز تأثیرگذار باشد، به‌ویژه آنکه مدیران آینده کشور نیز در همین فضا تربیت‌یافته و سطوح ارزشی در آنان، نحوه مدیریت مجموعه‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های آینده کشور را نیز تعیین خواهد نمود. در بررسی آماری صورت گرفته از ۳۸ دستگاه دولتی تأثیرگذار بر فرهنگ جامعه از بین بالغ بر ۱۱۰ دستگاه دولتی در ایران، بعد از صداوسیما، دانشگاه‌ها بیشترین تأثیرگذاری را در فرهنگ عمومی کشور دارا بوده‌اند. (رکوعی، ۱۳۸۶) این آمار تأکیدی بر اهمیت حفظ معیارها و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی در سطح دانشگاه‌های کشور است. بدین روی باید مدیریت آن متناسب با آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی باشد.

اما یکی از مسائل محوری قابل توجه آن است که برای تحقق دانشگاه اخلاق مدار و گسترش ارزش‌های اخلاقی در دانشگاه‌ها، چه راهکارهایی امکان طرح و تحقق دارند؟ در اینجا می‌توان روش‌ها و توصیه‌های مختلفی را مطرح نمود و لکن به نظر می‌رسد مبنایی‌ترین روش هنجار سازی در یک مجموعه، ایجاد ساختارهایی است که بتواند به شکل ناخودآگاه و در طول زمان، خودبه‌خود ارزش‌های اخلاقی را در سازمان نهادینه کرده و زمینه بد اخلاقی‌ها را رفع نماید. روش‌هایی مانند نظم‌سازمانی، داشتن قوانینی شفاف در مورد بایدها و نبایدهای رفتار سازمانی، ایجاد زمینه برای تمرکز دانشجویان به علم‌آموزی و دوری از حواس‌پرتی و مشغولیت‌های کاذب، حفظ کرامت و رعایت عدل و انصاف در بین مجموعه دانشگاهیان و ...

اما یکی از طرح‌ها و توصیه‌های ساختاری که بر طبق تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور می‌تواند شرایط مناسب‌تری را برای اخلاق‌مداری دانشجویان مهیا نماید طرح ویژه سازی فضاهای دانشگاهی برای دختران و پسران است.

موافقان این طرح که در ادبیات علوم تربیتی غربی، به «آموزش تک جنسیتی»^۱ معروف شده معتقدند که به سبب اجرای آن، می‌توان بخشی از مشکلات فضاهای آموزشی را کم کرده و مجموعه را به سمت مطلوب‌تری هدایت نمود. روش تأثیرگذاری ایجاد چنین فضاهایی بر اخلاق دانشگاهیان، سؤال است که این پژوهش، تلاش می‌کند با بررسی نظریات مرتبط، جمع‌بندی، دسته‌بندی و پاسخ‌مطلوبی را به خوانندگان ارائه نماید.

روش‌شناسی

در مقاله حاضر تلاش شده تا به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و مراجعه به منابع متعددی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه مرتبط با موضوع، نگاهی توصیفی تحلیلی به دیدگاه‌های فرهنگی درباره طرح تفکیک جنسیتی داشته و نحوه تأثیرگذاری این طرح بر رشد یا افول اخلاق در دانشگاه‌ها را بررسی و تحلیل نماید.

گرچه نمونه آماری عمده تحقیقات غربی صورت گرفته درباره آموزش تک جنسیتی، مرتبط با مقاطع قبل از دانشگاه است ولی به جهت عمومیت منافع و اشتراک علل تأثیرگذار بر رشد علمی در مقاطع مختلف تحصیلی مانند ویژگی‌های روانی، می‌توان دست آورده‌ای آن را در دیگر مقاطع تحصیلی نیز ساری دانست.

نتایج

در بررسی نقش تفکیک جنسیتی بر وضعیت اخلاقی در نظام آموزش عالی و در پاسخ به این سؤال که آیا اجرای این طرح و صرف هزینه مادی و روانی برای آن، از جهت اخلاقی و فرهنگی قابل دفاع است؟ مدافعان تفکیک، به پنج محور و مبنای هنجار سازی اخلاقی و ارتباط آن‌ها با موضوع تفکیک جنسیتی اشاره می‌نمایند:

۱. ایجاد تمرکز و فراغت خاطر فکری و علمی: به نظر مدافعان، یکی از عوامل برای پدید آمدن ناهنجاری‌های اخلاقی در دانشگاه، وجود حواشی و زمینه‌های حواس‌پرتی دانشجویان است. یکی از مهم‌ترین دلایل این عدم تمرکز، قرار گرفتن در موقعیت جوانی و اوج نیازهای جنسی و حضور در کنار افراد غیر هم‌جنس است که این نیاز را برافروخته‌تر کرده و افراد را به برنامه‌ریزی و اختصاص وقت برای ایجاد این ارتباطات می‌کشاند. در صورت مقابل، اگر دانشجویان در موقعیتی باشند که بتوانند تمرکز علمی و انگیزه تحصیلی را حفظ کنند،

^۱ .single-sex education

ناخودآگاه، فرصت‌های خود را به رفتارهای بزه نخواهند پرداخت. در تحقیقات متعددی که در کشورهای مختلف صورت گرفته است، تأثیر تفکیک جنسیتی بر بالا رفتن نمره امتحانات، اختصاص زمان بیشتری برای تمرین دروس در منزل، حضور بیشتر در سر کلاس، انجام فعالیت گروهی بیشتر برای ارتقاء علمی و احتمال پایین‌تر برای ترک تحصیل به اثبات رسیده است. (کپتری، ۱۳۹۸)

۲. کاهش بزهکاری: بزهکاری به جرم ضداجتماعی در نقض قانون یا سیاست دانشگاه توسط بعضی افراد اشاره دارد. عمده مشکلات اخلاقی در سطح دانشگاه را نیز می‌توان در آمار بزهکاری مشاهده نمود. هر عاملی که بتواند آمار بزه را در سازمان، کاهش دهد، طبیعتاً خواهد توانست فضای مجموعه را به سمت اخلاقی بودن بیشتر نیز راهنما باشد. یک پژوهش انجام‌گرفته در ارتباط با نوجوانان و بزهکاری در جامعه که ویکستروم^۱ (۲۰۰۶) طی ده سال آن را آماده و جمع‌آوری نموده نشان می‌دهد که اکثر جرائم مربوط به نوجوانان و جوانان فقط فرصت‌طلبی جوانی نیست بلکه نتیجه ترکیبی از خصوصیات شخصی و عوامل محیطی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی از محیط‌های شهری محرک‌هایی را برای جنایت ایجاد می‌کنند که در نتیجه آن، بعضی از نوجوانان در معرض آسیب‌پذیری بیشتری هستند، درحالی‌که برخی دیگر بدون توجه به شرایط، به جهت ویژگی‌های اخلاقی خود، در برابر پتانسیل جرم بسیار مقاوم هستند. این موضوع با اجرای طرح تفکیک جنسیتی نیز مرتبط و هم‌راستا بوده و در برخی تحقیقات، تأثیر ایجاد محیط آموزشی تک جنسیتی در کاهش بزهکاری، مشاهده شده است. (کاسپی^۲، ۱۹۹۵؛ کاسپی، ۱۹۹۳).

۳. افزایش خود پنداره^۳ مثبت: خود پنداره به مجموعه‌ای از یک سیستم پویا^۴، سازمان‌دهی شده^۵ و پیچیده درباره باورها^۶، نگرش‌ها^۷ و دیدگاه‌هایی گفته می‌شود که هر فرد به‌منظور دستیابی به یک قالب حقیقی در رابطه با موجودیت شخصی خویش ارائه می‌دهد (پیورکی^۸، ۱۹۷۰ ص ۱۵) امروزه بیشتر روانشناسان معتقدند که خود پنداره تعیین‌کننده رفتار فرد است. چنانچه فرد با موقعیت و محرک روبه‌رو شود که با رفتار و ارزش‌های او مغایر

1- Wikstrom

2- caspi

3- Self-concept

4- Dynamic System

5- organized

6- beliefs

7- attitudes

8- Purkey

باشد از خود مقاومت شدیدی نشان می‌دهد ولی اگر با رفتار و ارزش‌های او سازگار باشد آن‌ها را می‌پذیرد (کاظمی، ۱۳۸۲) تحقیقات بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهد خود پنداره به‌عنوان اساس همه رفتارهای برانگیخته شده است. این خود پنداره است که می‌تواند انگیزش‌های لازم برای رفتارهای افراد را خلق نمایند (فرانکن^۱ ۱۹۹۴). از طرفی خود پنداره مثبت، نقش مستقیمی در رفتارهای اخلاقی و موفقیت تحصیلی در افراد دارد. به گفته پژوهشگران، ادراک از خود و خود پنداره با استدلال اخلاقی و به تبع آن رفتار اخلاقی ارتباط مثبت و با بزهکاری‌ها و اختلالات رفتاری رابطه منفی دارد (چنگ^۲، ۲۰۱۴؛ برانفیلد و تامسون^۳، ۲۰۰۵؛ شین و یو^۴، ۲۰۱۲؛ وزیر^۵، ۱۰۱۰).

تحقیقات صورت گرفته درباره رابطه تفکیک جنسیتی با خود پنداره نیز نشانگر نقش مثبت این الگو بر ایجاد خود پنداره متعالی‌تر در فراگیران است (چیپریانی^۶، ۱۹۹۶؛ کودی^۷، ۲۰۰۰؛ مارش^۸، ۱۹۹۲؛ ریوردان^۹، ۱۹۹۰).

۴. افزایش عزت‌نفس: یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء سطح اخلاق سازمانی، توجه به عزت‌نفس افراد است. این مفهوم، گاهی به «کرامت نفس» و یا «حرمت خود» نیز تعبیر می‌شود. عزت‌نفس رضایت فرد نسبت به خود و احساس ارزشمند بودن و یا میزان هماهنگی و نزدیکی خود ایدئال و خود واقعی فرد است. به عبارتی، هرچه فاصله خود واقعی و خود آرمانی کمتر باشد، فرد از عزت‌نفس بالاتری برخوردار است و هرچه فاصله بین آن دو بیشتر باشد، میزان عزت‌نفس فرد، پایین‌تر خواهد بود. (بری^{۱۰}، ۲۰۰۰) افرادی که دارای عزت‌نفس بالا هستند، تمایل دارند بیشتر به نقاط قوت خود توجه کنند تا به نقاط ضعفشان، همچنین این افراد برای قبول ارزیابی‌های مثبت از خودشان آماده‌تر هستند، درحالی‌که افراد باعزت‌نفس پایین احتمالاً بیشتر ارزیابی‌های منفی را قبول می‌کنند (حسینی نسب و وجدان پرست، ۱۳۸۱).

۵. عزت‌نفس دارای اثرات مثبت و منفی زیادی است، به‌خصوص در میان دانش‌آموزان و دانش‌جویان. دانش‌جویانی که احساس مثبت‌تری نسبت به خود دارند، بی‌خوابی کمتری

1-Franken

2- Cheng

3- Brownfield and Thompson

4- Shin and Yu

5-Vazire

6- Cipriani

7- Cuddy

8- Marsh

9- Riordan

10- Bray

دارند و شب‌ها، به راحتی به آرامش می‌رسند. در مقایسه با همسالان، احتمال کمتری برای مصرف مواد مخدر و الکل دارند، در کارهای دشوار، پایدارتر هستند، خوشبخت‌تر و متعالی‌تر و مهم‌تر از همه در نتایج یک مطالعه آن است که آن‌ها تمایل به انجام بهتر فعالیت‌های علمی خواهند داشت و از سوی دیگر، دانش آموزان و دانشجویانی با عزت نفس پایین، بیشتر تمایل به نارضایتی اجتماعی داشته و با احتمال بیشتری از مواد مخدر و الکل استفاده می‌کنند. آن‌ها نسبت به افسردگی، آسیب‌پذیرتر خواهند بود و همگی این‌ها با پیشرفت تحصیلی دانشگاهی نیز مرتبط هستند (ویگینس^۱، ۱۹۹۴)

پژوهش‌های صورت گرفته درباره آموزش تک جنسیتی و مختلط و ارتباط آن‌ها با عزت نفس، عموماً به نفع مؤسسات تک جنسیتی - به ویژه برای دختران - است. محققان معتقدند دخترانی که در دانشکده‌های تک جنسیتی درس خوانده‌اند؛ نسبت به دخترانی که در دانشکده‌های مختلط درس خوانده‌اند عزت نفس و اعتماد به نفس بالاتری دارند (جیریایی، ۱۳۹۱) به طور کلی، تحقیقات صورت گرفته تأکید می‌کنند که حضور دختران در کلاس‌های مختلط، باعث افت عزت نفس، خود پنداره و اعتماد به نفس آن‌ها می‌گردد و به علت حساسیت روحی خانم‌ها، زمینه تنش روانی آن‌ها از طرف محیط، بیشتر بوده و این خود تأثیر منفی بر رشد علمی آن‌ها خواهد گذاشت. در مقابل، برگزاری کلاس به شکل تک جنسیتی، باعث افزایش عزت نفس، انگیزه و تلاش در آن‌ها خواهد شد (پارک و برمن^۲، ۲۰۱۲). در پژوهش دیگری که در کشور سوئیس و با بررسی فراگیران دبیرستانی در دو حالت کلاس‌های تک جنسیتی و دوجنسیتی توسط جرالڈ آیزنکوف و همکارانش صورت گرفت، مشخص نمود که آموزش تک جنسیتی اعتماد به نفس و خودارزیابی و همچنین عملکرد درس ریاضی دانش آموزان دختر را بیشتر می‌کند. در این مطالعه سعی شده بود که امکانات در دو وضعیت کلاس تک جنسیتی و دوجنسیتی یکسان باشد. به عنوان مثال معلمان تدریس کننده در هر دو وضعیت، یکسان انتخاب شده بودند (آیزنکوف^۳ ۲۰۱۴) نتیجه این تحقیقات با پژوهش براتسرت و براک^۴ (۱۹۹۴) در مورد پسران نیز موافق بوده و با ریوردان^۵ (۱۹۹۴) و سنדרز^۶ (۱۹۹۲) (هر دو در مورد پسران) مخالف است.

1- Wiggins

2- Park and Behrman

3- Eisenkopf

4- Brutsaert and Bracke

5- Riordan

6- Sanders

افزایش کنترل درونی؛ یکی از مفاهیم قابل توجه در زیرساخت رفتارهای اخلاقی، مفهوم کانون کنترل است. کانون کنترل، نوعی ویژگی شخصیتی است که افراد خود را در رابطه با رویدادهای زندگی مسئول می‌دانند. برای کانون کنترل به دو منبع درونی^۲ و بیرونی^۳ اشاره شده است. در افراد دارای کانون کنترل درونی؛ فرد رویداد وقایع را معلول رفتار خویش می‌داند و برای قضاوت در مورد درستی یا نادرستی رفتار و هدایت رفتار خود به استانداردهای درونی متکی است، درحالی که افراد دارای کانون کنترل بیرونی وقایع و رویدادها را ناشی از بخت و اقبال خود قلمداد می‌کنند، در قبال پیامدهای رفتارشان احساس مسئولیت کمتری دارند و بیشتر به نفوذ عوامل خارجی متکی هستند (اسپکتر^۴، ۱۹۸۶).

داشتن کانون کنترل درونی می‌تواند بر رفتار اخلاقی در محیط دانشگاهی اثر بگذارد. برای نمونه؛ نتایج مطالعه‌ها مشخص کرد که در آن دسته از معلمان و دانش‌جوئیانی که از کانون کنترل درونی برخوردار بودند (نسبت به افرادی که کانون کنترل بیرونی داشتند و احساس ناامنی می‌کردند) ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های آموزشی و کنترل رفتار، بیشتر و نمایان‌تر بوده است. در مقابل، کنترل بیرونی با رفتار اخلاقی رابطه معکوس و معنی‌داری داشته است. در واقع هرچه فرد ویژگی‌های شخصیتی‌اش بیرونی‌تر باشد اخلاق سازمانی در او کمتر دیده می‌شود (لین^۵، ۲۰۰۳؛ اسمیت^۶، ۱۹۹۸).

تحقیقات صورت گرفته درباره ارتباط فضاهای آموزشی تک جنسیتی و مختلط با بحث کانون کنترل نیز همگی به نفع الگوی تک جنسیتی است؛ یعنی ایجاد محیط‌های تک جنسیتی می‌تواند در افزایش کنترل درونی فراگیران و به تبع آن، ارتقاء سطح اخلاقی مجموعه‌های آموزشی مؤثر باشد (لی و بریک^۷، ۱۹۸۶؛ ریوردان^۸، ۱۹۹۰؛ ریوردان، ۱۹۹۴).

برخی، کنترل درونی را معادل خودکنترلی^۹، خویش‌داری و در ادبیات دینی، معادل تقوا و عفاف می‌دانند (محمصص، ۱۳۹۴: ۳۹ و ۴۸؛ زارع، ۱۳۸۴: ۴۹) از نظر علامه طباطبائی، تقوا، مدیریت نفس و ساماندهی انگیزه‌ها، تمایلات و رفتارها است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۴۸/۱) شهید مطهری «خود نگهداری» را ترجمه صحیح واژه تقوا برشمرده است (مطهری، ۱۳۷۸:

(۱۷)

1- Locus of control
 2- Internal control
 3- External control
 4- Spector
 5-Lin
 6- Smith-
 7- Lee and Bryk
 8- Riordan
 9- Self-control

مفهوم عفاف نیز بر نوعی خویشتن‌داری از امور پست و تمایلات نفسانی دلالت دارد. اغلب لغت‌شناسان، عفت و حیا را نوعی بازدارندگی از شهوات، اعمال قبیح و محرمات الهی دانسته‌اند.

(ابن فارس، بی تا ج ۲: ۹۳؛ طریحی، ۱۴۸۵، ج ۳: ۲۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۹: ۲۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۷۳) ویژگی‌های تقوا، حیا و عفاف، می‌تواند یکی از محوری‌ترین اوصاف اخلاقی برای حفظ فرد و جامعه از ارتکاب ناهنجاری‌های اخلاقی باشد.

طبیعتاً محیط در شکل‌گیری این ویژگی مهم و فضیلت‌محوری، نقش بسزایی را ایفا می‌نماید. قرآن کریم، تأثیر محیط در اعمال و کردار انسان را با تمثیلی زیبا تبیین می‌فرماید: سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید...^۱ (أعراف، ۵۸).

این مثال، انسان‌ها را به گیاه تشبیه نموده که می‌توانند در سرزمینی پاک و پربرکت و یا خبیث قرار گیرند. نتیجه و محصول چنین انسان‌هایی نیز در بسیاری اوقات وابسته به آن زمینه و محیط زیسته آن‌ها است و چنانکه نمی‌توان از زمین شوره‌زار توقع گلستان داشت، تربیت و موعظه نیز برای انسانی در محیط آلوده و زمینه‌ساز گناه، کمترین تأثیر را خواهد گذاشت.

یکی از دلایل اهمیت بحث جداسازی بین زنان و مردان در اسلام نیز بدین‌جهت است که اساساً اسلام به گناهان علنی توجه ویژه‌ای نموده است زیرا ارتکاب علنی و عمومی گناه باعث از بین رفتن قبح آن، تبدیل شدن آن به یک هنجار اجتماعی و ایجاد زمینه محیطی مناسب‌تر برای گرایش به رفتارهای غیراخلاقی در دیگران شده و آسیب‌ها و تبعات آن شامل بخش بزرگی از افراد اجتماع خواهد گردید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است»^۲ (نور، ۱۹). جالب اینکه آیه می‌گوید: این دوست داشتن گرچه به مرحله‌ی عمل نرسد موجب عذاب دردناک خواهد بود، این تعبیر بیانگر نهایت تأکید در پرهیز از شیوع گناه است.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) نیز به جنبه ضرر عمومی گناه اشاره نموده و می‌فرماید: اگر بنده‌ای کار خلافی را در پنهانی انجام دهد ضرر آن متوجه خود او می‌شود ولی اگر آن را آشکارا انجام دهد و از آن جلوگیری نشود بر همگان ضرر می‌رساند^۳ (عاملی، ۱۴۱۴: ۴۰۷/۱۱).

۱. وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثُ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا...

۲. إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب أليم في الدنيا والآخرة.

۳. إنَّ الْمُعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ يَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا، فَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أَضْرَّتْ بِالْعَامَّةِ.

به همین جهت تأکید بر عدم ترویج معاصی اجتماعی بسیار زیاد است و برنامه حدود و تعزیرات و نیز مراتب مختلف امر به معروف و نهی از منکر، بازدارنده‌هایی مهم در برابر اشاعه معصیت در جامعه می‌باشند.

حضرت علی (علیه‌السلام) نیز در روایتی می‌فرمایند: از آشکار نمودن معاصی بپرهیز که آن از شدیدترین گناهان است.^۱ (آمدی، ۱۳۷۹: ۲/۲۹۹)

از این رو، انجام گناه علنی و نشر آن جزء گناهان کبیره دانسته شده که باید با آن برخورد گردد. این که جامعه مذهبی کشور بیش از بسیاری از گناهان به موضوع حجاب و رابطه دختر و پسر حساس است به دلیل وجه علنی و اجتماعی این گناهان است نه اعتقاد به این که حجاب از نماز و روزه مهم‌تر و بی‌حجابی از کفر و نفاق و حرام‌خواری زشت‌تر باشد.

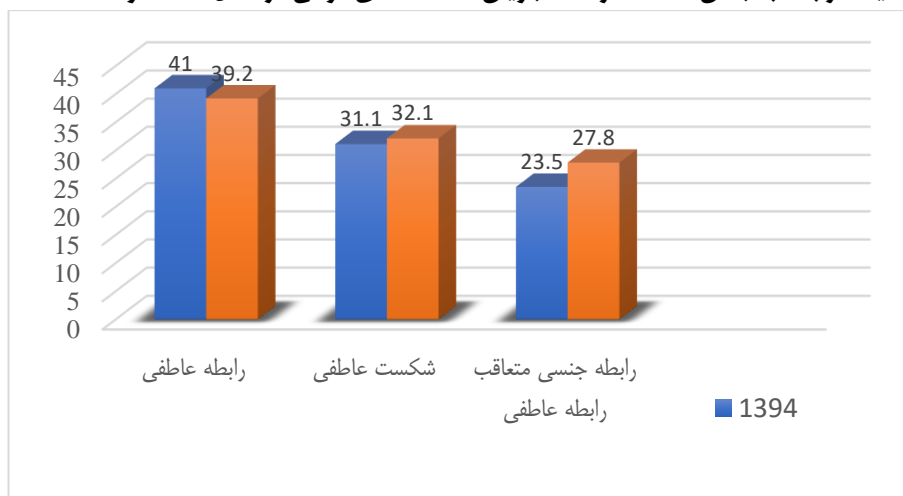
در محیط‌های دانشگاهی نیز به جهت حضور قشر زیادی از جوانان پراکنج، فضا به گونه ایست که حدی از رابطه دختر و پسر به شکل علنی رخ می‌دهد؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که چنین محیط‌های مختلط رابطه دختر و پسر را عادی‌سازی نموده و از ارتباط دختر و پسر قبح زدایی کنند، غیرت، تقوا و عفاف عمومی را کاهش دهند و زمینه‌ساز تحقق آسیب‌های اخلاقی بیشتری در فضای اجتماع گردند (درباره تفکیک، ۱۳۹۳). خصوصاً آنکه دانشگاه به‌عنوان گروهی مرجع، همواره یکی از تأثیرگذارترین مجموعه‌ها در فرهنگ عمومی کشور بوده است.

امروزه در سایه قرابت و اختلاط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌ها، زمینه برای تخطی و نادیده انگاری ارزش‌ها و هنجارهای دینی در حوزه روابط مرد و زن، در داخل و خارج از دانشگاه آماده‌تر گردیده و روحیه عفاف و حیاء را در دانشجویان با چالش مواجه نموده است. امروزه شاهد گسترش ناهنجاری‌هایی از جنس عفاف در دانشگاه‌ها هستیم که اصلاح آن نیازمند سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌ویژه در بعد ساختاری و سازمانی است. متأسفانه به گفته آمار، وضعیت فرهنگی و اخلاقی بخش زیادی از دانشجویان از سطح مطلوبی برخوردار نیست. در آمار استخراج‌شده از وضعیت آسیب‌های اجتماعی در دانشگاه‌های سطح کشور (سیمای زندگی) در سال ۹۵، رابطه عاطفی و عاشقانه دانشجویان با جنس مخالف ۳۹.۲ درصد، رابطه جنسی متعاقب رابطه عاطفی، ۲۷.۸ درصد و شکست عاطفی ۳۲.۱ درصد بیان گردیده. البته این آمار، معدل دانشگاه‌های گوناگون است و در بررسی جزئی، آمار رابطه عاطفی و عاشقانه در دانشگاه‌های غیرانتفاعی ۴۸.۸ درصد و در دانشگاه‌های علمی کاربردی ۴۴.۵ درصد، رابطه جنسی متعاقب رابطه عاطفی در دانشگاه‌های علمی کاربردی ۵۰.۵ درصد و در دانشگاه‌های

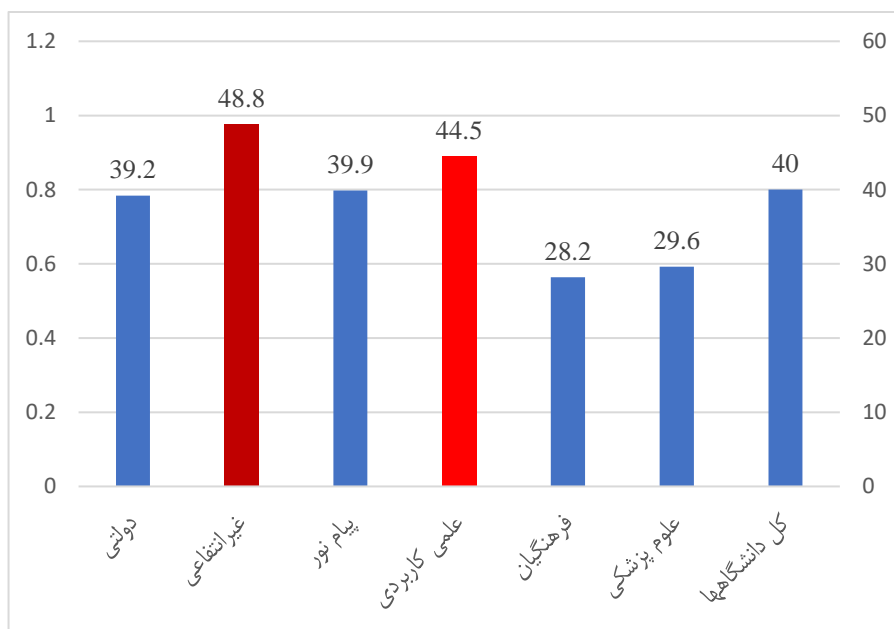
۱. ایاک وَالْمُجَاهِرَةَ بِالْفُجُورِ فَإِنَّهَا مِنْ أَسَدِّ الْأَمَانِمِ.

غیرانتفاعی ۳۸.۳ درصد و وضعیت شکست عاطفی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی ۵۰.۸ درصد بیان گردیده است. همچنین در سال ۹۶ معدل رابطه عاطفی و عاشقانه دانشجویان با جنس مخالف در سطح کشور افزایش یافته و به ۴۵.۸ درصد و رابطه جنسی متعاقب رابطه عاطفی به ۲۸.۵ درصد رسیده است. چنانکه مشاهده می‌شود، وضعیت روابط پسران و دختران دانشجویان با ایدئال‌های اخلاقی و ارزش‌های دینی مردم در سطح اجتماع فاصله زیادی دارد. این در حالی است که بر مبنای نتایج پژوهشی در سال ۸۷، ۳۳/۲ درصد از دانشجویان، اختلاط موجود در دانشگاه‌ها را عامل اصلی تشکیل گروه‌های دوستی میان دانشجویان غیر هم‌جنس در دانشگاه‌ها قلمداد کرده‌اند (حاجیلری، ۱۳۸۷).

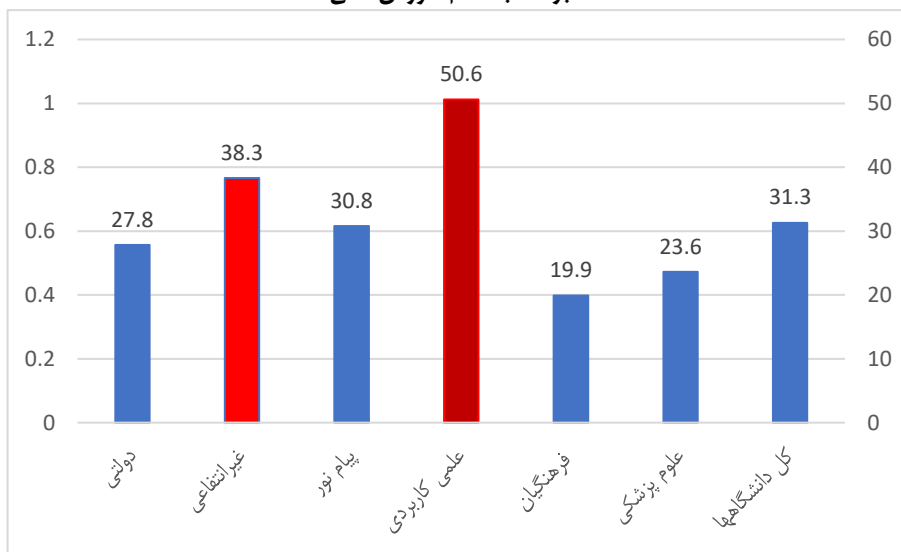
مقایسه رابطه با جنس مخالف در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵



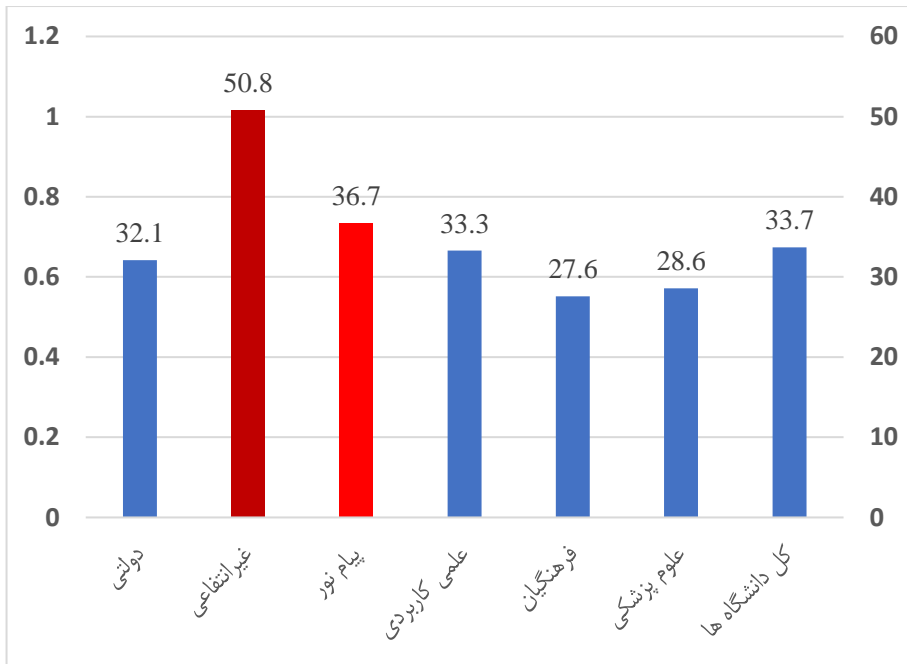
جدول ۶- مقایسه وضعیت رابطه عاطفی/عاشقانه در دانشجویان در سال ۱۳۹۵ برحسب نظام آموزش عالی



جدول ۷- مقایسه وضعیت رابطه جنسی متعاقب رابطه عاطفی/عاشقانه در دانشجویان در سال ۱۳۹۵ برحسب نظام آموزش عالی



جدول ۸: مقایسه وضعیت شکست عاطفی در دانشجویان در سال ۱۳۹۵ برحسب نظام آموزش عالی



(منبع: دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان، بهار ۱۳۹۵)

بر طبق آمار، آسیب‌های اجتماعی در طول سالیان اخیر رو به شدت گذاشته است. این زنگ هشدار است برای تمام مسئولان فرهنگی کشور که در صورت عدم پیشگیری از ادامه روند گسترش این معضلات اخلاقی، محیط‌های دانشگاهی و به تبع آن سطح عموم جامعه با بحران اخلاقی جدی‌تری مواجه خواهد بود و آنچه هم‌اکنون در دانشگاه‌ها و جامعه غربی مشاهده می‌کنیم در جامعه ایرانی نیز پدیدار خواهد شد.

پاسخ به دو پرسش مخالفان تفکیک جنسیتی تفکیک جنسیتی و ایجاد حرص کاذب

دیدگاه مخالفان تفکیک: بعضی بر این باورند که تفکیک جنسیتی، باعث ایجاد حرص بیشتر برای ارتباط گرفتن با جنس مخالف خواهد شد. به نظر این افراد، جو اخلاقی در مدارس و مؤسسات آموزشی مختلط، بهتر است و در آن‌ها هیچ مشکل یا گرایش جنسی به جنس مخالف وجود ندارد؛ ولی در مؤسسات آموزشی غیر مختلط این مشکلات و گرایش‌ها مشاهده می‌شود (طوسی، ۱۳۷۸). آنان بر اساس اصل «انسان از آنچه منع شود، بر آن حریص می‌گردد»^۱

۱. انسان حریص علی ما منع.

معتقدند که انسان نسبت به هرچه منع شود، حریص تر می‌شود. ایجاد محدودیت بین دو جنس نیز جوانان را برای ارتباط گرفتن، حریص تر خواهد نمود و برای از بین بردن مشکلات و حساسیت‌های جنسی، باید از این جهت در جامعه هیچ محدودیتی نباشد؛ زیرا «ایجاد حریم در میان مرد و زن بر اشتیاق‌ها و التهاب‌ها می‌افزاید و حرص و ولع درباره رفتار جنسی را در هر دو جنس بیشتر می‌کند. لذا بهتر است از همان اول، حالت طبیعی و عادی نسبت به جنس مخالف داشته باشند؛ مانند خواهر و برادری که باهم بزرگ‌شده‌اند و نسبت به هم تصور خاص و التهابی ندارند و این مسئله در مقایسه جوامع باز و بسته قابل لمس است. در جوامع اروپایی و غربی که این حساسیت‌ها نیست، کم‌تر در برخورد مردان و زنان - حتی اگر زنی آرایش خاصی کرده باشد - جلب توجهی رخ می‌دهد، ولی در جوامعی که این ارتباط‌ها از اول ناپسند بوده، به محض این که جوانی با زنی روبه‌رو می‌شود، اگر از خود بیخود نشود، دست کم حالت ویژه‌ای نسبت به او پیدا می‌کند که تا مدت‌ها در درون خود با آن درگیر است. این حرص و ولع حاصل آن محدودیت است» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۶۸۵).

مبنای این گفته، در نظریات اندیشمندان غربی مانند زیگموند فروید و برتراند راسل دیده می‌شود. راسل می‌گوید: «هر آن قدر که تمایلات جنسی را بیشتر دچار احتقان و خفقان کنند، قدرت آن شدیدتر خواهد شد. ۹۰٪ انگیزه خواندن و دیدن مطالب و عکس‌های رکیکی که با امور جنسی مرتبط می‌شود، نتیجه منع اخلاقیون از دیدن و خواندن آن‌ها است و ۱۰٪ بقیه امور جسمانی است که ممکن است در اثر وضعیت قانون تغییر حالت پیدا کند و به صورت دیگری تجلی نماید» (راسل، زناشویی و اخلاق، ۱۳۵ - ۱۳۴، به نقل از: قاسمی، ۱۳۷۳: ۸۲)

پاسخ موافقان تفکیک جنسیتی

اگر آزادی به عادی‌سازی روابط و رفع حرص کمک می‌کند و باعث می‌شود تمایلات نسبت به جنس مخالف کمتر شود پس چرا در کشورهای غربی که آزادی جنسی دیده می‌شود، آمار انحرافات و جرائم جنسی بیشتر است؟ آیا در دنیای غرب که هرگونه اختلاطی مجاز دانسته شده، حرص جنسی کمتر شده و روابط نامشروع و بی‌بندوباری اخلاقی دیده نمی‌شود؟ آمار و پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای غربی نشانگر این است که به‌عکس، هرچه آزادی جنسی بیشتر شده، آمار تجاوزهای جنسی نیز بیشتر گردیده. این نوع رفتارهای بزه کارانه، خصوصاً در دانشگاه‌ها به جهت همان خصوصیت ایجاد فضای بیشتر برای ارتباط دختران و پسران، شدیدتر نیز بوده است.

پژوهش‌ها در آمریکا نشان می‌دهد که دانشجویان بین ۱۸ تا ۲۴ ساله بیشتر از همسالان خود در همان سن که به دانشگاه وارد نشده‌اند از نظر جنسی مورد حمله قرار می‌گیرند. در واقع نسبت

قربانیان تجاوز جنسی و تعرض به تجاوز جنسی در آن گروه سنی پنج برابر بیشتر از کسانی است که در دانشگاه حضور ندارند. یک فیلم مستند با عنوان سرزمین شکار توسط «کربی دیک» در مورد خشونت جنسی در دانشگاه‌های آمریکا تهیه شده که جزئیات شوک‌آوری را عرضه می‌کند. وی گزارش کرد حدود یک‌چهارم دانشجویان آمریکایی از افراد داخل این دانشگاه در طول سال تحصیلی در داخل دانشگاه‌ها و نه در خارج از دیوار آن مورد آزار و اذیت جنسی واقع می‌شوند.

این فیلم (که به سال ۲۰۱۵ بازمی‌گردد) نشان می‌دهد که گزارش بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز، به مسئولان بالای دانشگاه‌ها نمی‌رسد، این فیلم در تفسیر این موضوع می‌گوید که مصلحت و منفعت مدیران دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها در این است که خوش‌نامی دانشگاه و مراکز و امتیازاتی که به دست آورده‌اند را حفظ کنند (اورا، ۱۳۹۶).

«در آوریل ۲۰۱۵ دانشگاه هاروارد یک نظرسنجی آماری از دانشجویان خود [ظاهراً اعم از فارغ‌التحصیل و یا مشغول به تحصیل] درباره‌ی تعدی‌های جنسی صورت داد. این نظرسنجی در چارچوب پروژه‌ی پژوهشی بزرگی بود که مجمع دانشگاه‌های آمریکا (که شامل ۶۲ دانشگاه آمریکایی است) درباره‌ی تعدی‌های جنسی شروع کرده بود و شامل نظرسنجی از بیش از ۱۵۰ هزار دانشجو (اعم از فارغ‌التحصیل یا مشغول به تحصیل) در ۲۷ دانشگاه آمریکایی می‌شد. نتایج این طرح که بزرگ‌ترین طرح در نوع خود محسوب می‌شد، در سپتامبر ۲۰۱۵ منتشر گردید.

آمارگیری نشان می‌داد که ۱۶ درصد از زنان بزرگ‌سال دانشگاه هاروارد که در آمارگیری شرکت کرده بودند (۹۰ زن) در طول دوران حضورشان در دانشگاه، مورد تجاوز کامل یا تلاش برای تجاوز کامل اجباری نامطلوب قرار گرفته‌اند. همچنین مشخص شد که ۳۱ درصد از زنان بزرگ‌سال دانشگاه هاروارد که در آمارگیری شرکت داشته‌اند (۱۷۲ زن) از زمان آغاز تحصیلشان در دانشگاه هاروارد به یکی از اشکال مختلف تماس جنسی اجباری نامطلوب دچار شده‌اند.

نیمی از زنان فارغ‌التحصیل هاروارد نیز در زمان حضورشان در دانشگاه دچار آزار و اذیت جنسی واقع شده بودند و ۲۱.۸ درصد از این زنان اعلام کردند که کسانی از اعضای دانشگاه [ظاهراً اشاره به اساتید] بوده‌اند که آنان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد تعدی‌های جنسی بزرگ‌ترین مشکل پیشروی دانشجویان دختر هاروارد که هنوز مشغول تحصیل اند باشد، چراکه این آمارگیری نشان می‌دهد ۷۲.۲ درصد از دانشجویان دختر حاضر در این آمارگیری، در زمان حضورشان در دانشگاه هاروارد مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند» (ناامن‌ترین دانشگاه، ۱۳۹۶)

اگر جمله «الانسان حریص علی ما منع» یک توصیه عملی باشد، شامل تمامی دستورات شرعی و یا قوانین عقلی و بشری مانند راهنمایی و رانندگی و یا دستورات پزشکی نیز شده و منع انسان‌ها، دیگر توجیهی نخواهد داشت زیرا که اگر مثلاً انسان‌ها از تجاوز به حق دیگران منع شوند، بیشتر دزدی خواهند کرد و یا اگر تابلوهای سقوط از پرتگاه نصب شوند، رانندگان خود را در پرتگاه خواهند انداخت. این سخن از هیچ کس قابل قبول نیست چراکه به هرحومرج و بی‌قانونی منجر خواهد شد. پس سخن گفته شده، صرفاً یک گزاره توصیفی و نشانگر یکی از روحیات انسان است نه یک توصیه و دستورالعمل اجرایی. اساساً انسانیت انسان در مواجهه با قوانین و محدودیت‌های عقلی و شرعی و مدیریت رفتار بر طبق آن‌ها شکل می‌گیرد. عبادت و عبودیت نیز در پذیرش محدودیت‌ها تحقق می‌یابد و انسان را به اوج قله کمال می‌رساند. یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن انسانی نیز وضع و پذیرش قوانین و نظم اجتماعی است و این امری است که در تمام مکاتب و ادیان، مورد قبول واقع گردیده است.

باید توجه داشت که حرص حاصل دو عامل است؛ تحریک و منع. وقتی در شخصی انگیزه‌ای جدید پدید بیاید و جلو رفع آن انگیزه و هیجان و رسیدن به آرامش گرفته شود، حرص پدید می‌آید. شهید مطهری در این رابطه سخن زیبایی دارد: «اشتبا فریود و امثال او در این است که پنداشته‌اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آن‌هاست. این‌ها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن، آن را دیوانه می‌سازد... به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوایج طبیعی، مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد، ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی‌توان سیر کرد... اما اینکه می‌گویند: «الإنسان حریص علی ما منع» مطلب صحیحی است ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به‌سوی آن تحریک شود. به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند...» (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۶۰/۱۹-۴۶۱) به نظر می‌رسد نظام آموزشی مختلط، یکی از عوامل و زمینه‌های مهم تحریک غریزه جنسی دختران و پسران جوان است و موجب خواهد شد که این غرایز به‌طور صحیح و در حد حاجت طبیعی ارضا نشود؛ بلکه آتش شهوات، شعله‌ورتر گردیده عفت عمومی در معرض تهدید قرار گیرد و این منش، باقاعده «حفظ عفت و حیا» در تعارض است.

می‌توان این‌گونه نیز گفت که هر حرصی نیز مذموم و نکوهیده نیست؛ زیرا عدم دسترسی آسان به جنس مخالف و وجود نیاز جسمی و روحی، می‌تواند انگیزه‌ای برای ازدواج پدید آورد. در غیر این صورت بسیاری از افراد به جهت رفع نیاز جنسی و عاطفی خود با ارتباطات آزاد و سختی به دوش کشیدن مسئولیت تشکیل و حفظ خانواده، دیگر میل و انگیزه‌ای برای رفع نیازها از طریق شرعی و طبیعی ازدواج نخواهند داشت.

تفکیک جنسیتی و اجتماعی شدن

دیدگاه مخالفان تفکیک: برخی طرح تفکیک را مانعی برای اجتماعی شدن و یادگیری روش برخورد با جنس مخالف می‌دانند و معتقدند که دانشگاه تنها جایی است که دختر و پسر، نه به شکل برخورد با جنس مخالف بلکه به شکل برخورد با یک انسان و به نحو معقول با جنس مخالف مواجه می‌شوند. این فضا تمرینی است برای ارتباط عاقلانه این دو جنس که در آینده بتوانند باهم در اجتماع تعامل داشته باشند و نگرش‌های قالبی را کنار بگذارند (اصغری، نجیب مقدم، ۱۳۹۳: ۶). دانشگاه‌ها تنها مکانی است که می‌تواند کلیشه‌های ذهنی را که در جامعه ما نسبت به جنسیت وجود دارد حذف کند (سایت مهرخانه، ۱۳۹۱) «باید به‌گونه‌ای رفتار کنیم که یک دختر وقتی با پسری مواجه می‌شود کاملاً عادی برخورد کند، مانند وقتی که با دختران دیگر مواجه می‌شود. تفاوت‌های جنسی را در ارتباطات حذف کنیم تا حساسیت نسبت به جنس مخالف کم شود... باید با تربیت صحیح و رشد اجتماعی حتی مانع ارتباط‌های صمیمی دختران و پسران هم نشد بلکه باید حدود تماس بدنی به‌غیراز قرص صورت و مچ‌ها دوری از نگاه‌های شهوانی را رعایت کرد» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۶۸۴) اما «تفکیک، تابوی سکسی را جایگزین درک و تجربه انسانی و واقعی از جنس مخالف می‌کند» (جندقی، ۱۳۹۲). همچنین افراد با شناختی که نسبت به جنس مخالف پیدا می‌کنند می‌توانند ازدواج بهتر و عاقلانه‌تری داشته باشند (اصغری، نجیب مقدم، ۱۳۹۳: ۶). پس دانشگاه نیز باید مانند دیگر فضاهای اجتماع که زنانه و مردانه نیست، مختلط باشد (Jackson, 2013).

پاسخ موافقان تفکیک جنسیتی

چنانکه از نام دانشگاه و توجه به محیط و مختصات ویژه آن معلوم است، نمی‌توان دانشگاه را با فضاهای دیگر در اجتماع مقایسه کرد و باید ملاحظات و اهداف ویژه آن را موردتوجه قرارداد. دانشگاه مکانی است برای علم‌آموزی و تربیت نیروی انسانی و وجود این روابط، در بسیاری از

اوقات مانع ایجاد تمرکز و فراغت خاطر و رشد علمی دانشجویان خواهد بود. همچنین تبعات متعدد و زیان‌بار فرهنگی و اخلاقی این ارتباطات و افت روحیه حیا و عفت نفس، به بهانه یادگیری روش برخورد و تجربه با جنس مخالف قابل توجیه نیست. حضور دو جنس در کنار هم و در زمانی محدود در سطح اجتماع که هر کدام به دنبال مشغله خاص خود هستند با حضور دو جوان عمدتاً مجرد در کنار هم و آن‌هم در طول چندترم و ساعت‌های متمادی و فضاهای فراغتی، بسیار متفاوت است.

ادعای امکان عادی‌سازی روابط بین دو جنس، تنها یک شعار غیرواقعی است. نمی‌توان از جوانی که در اوج ظهور غرایز جنسی است و تا قبل از دانشگاه، در فضایی جدا از جنس مخالف، دوره‌های آموزشی را گذرانده است، توقع داشت که ارتباط با جنس مخالف را عادی قلمداد کرده و هیچ واکنش احساسی و غریزی نسبت به او نداشته باشد. به نظر می‌رسد که می‌توان در سلامت جسمی و روانی جوان و دانشجویی که نسبت به جنس مخالف، احساس و نگرشی همانند افراد هم‌جنس خود دارد، تردید نمود.

همین توجه افراطی به رعایت آداب معاشرت و تلاش برای حفظ ظاهری مطلوب و ایجاد جذابیت در مقابل جنس مخالف، چه ساعات گران‌بهایی را از دانشجویان سلب نکرده و بعضاً آن‌ها را به وسواس فکری مبتلا نموده است. (گلزاری، ۱۳۹۱: ۳۱ تا ۴۰) گاهی تنها یک پیام غیر آموزشی از جنس مخالف نظر دانشجو را به خود جلب نموده و تا مدت‌ها فکر و ذهن او را به خود مشغول می‌سازد.

این توصیه، دارای ضابطه و محدودیت نیست. دانشجویان تا چه اندازه باید باهم برخورد داشته باشند تا با جنس مخالف به‌خوبی آشنا شوند؟ آیا در حد سلام و احوال‌پرسی روزانه و یا گفت‌وگوهای علمی، این امر محقق می‌شود یا نیازمند معاشرت‌های بیشتر و انس و ارتباط نزدیک با همدیگر است؟ در این صورت باید گفت این نوع ارتباط، قطعاً مورد تأیید شرع نبوده و با تقدم تزکیه بر تعلیم در تعارض است. در آموزه‌های دینی ما، به در نظر گرفتن حدود بین زن و مرد نامحرم، توجه ویژه‌ای شده و زنان و مردان را از انس و ارتباط دوستانه با نامحرم بازداشته است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید زیرا هنگامی که آنان رودرروی یکدیگر قرار گرفتند و باهم رفت‌وآمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۵/۱۴)

یادگیری چگونگی برخورد با جنس مخالف، نیاز به آموزش دو جنس دارد نه آمیزش. طبیعتاً افراد در خانواده و از ابتدای عمر، یا در کوچه و خیابان، با جنس مخالف برخورد داشته و می‌توانند روش‌های معاشرت را آموزش‌دیده و با رعایت آداب، مواجهه با دیگران را به شکل

انسانی مدیریت نمایند. این گونه نیست که این فضا فقط در دانشگاه مهیا باشد و اگر کسی دانشگاه نرود، آداب معاشرت با جنس مخالف را نخواهد آموخت. مسئولان فرهنگی دانشگاهها نیز می‌توانند در دوره‌های آموزشی و مهارت افزایی، دانشجویان را با خصوصیات و روحیات جنس مخالف و لوازم رفتاری و مراقبتی ارتباط با آنها در فضای تجرد و تأهل و نحوه برخورد با افراد نامحرم آشنا کنند. ضرورت تربیت جنسی دختران و پسران و آشنا شدن آنان با قواعد حضور در محیط‌های مختلط، خود نیازمند حضور در محیط مختلط نیست.

اما نکته آخر اینکه اساساً باور به عدم تمایز بین دو جنس زن و مرد و لزوم از بین بردن تمام نگاه‌های کلیشه‌ای به دو جنس، از جمله نگرش‌های بر خواسته از فمینیسم است که نه تنها با آموزه‌های دینی مغایر بوده بلکه زیست شناسان و روان شناسان نیز با آن به مخالفت بر خواسته‌اند. در دیدگاه اسلام و همه ادیان توحیدی، بین زن و مرد تفاوت‌های جسمی و روحی وجود دارد که باید در ارتباطات و دیگر مقتضیات اجتماعی در نظر گرفته شود و با نادیده گرفتن این حقایق هم به حقوق انسانی هر دو جنس اجحاف شده و هم با ایجاد موانع نگرشی و عرفی و فرسایش انگیزه‌ها، بخشی از ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه از رشد مطلوب خود، باز خواهد ایستاد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که طرح جداسازی دختران و پسران و همگن‌سازی فضاهای آموزشی در دانشگاه‌ها از پشتوانه علمی برخوردار بوده و می‌تواند بر ارتقاء سطح اخلاقی و فرهنگی آموزش عالی تأثیرگذار باشد. این مطالعه، با بررسی کتب و مقالات عمدتاً غربی به پنج محور اساسی در ارتباط با دانشگاه اخلاق مدار و تفکیک جنسیتی اشاره کرده و به این نتیجه رسیده است که اجرای مناسب این طرح می‌تواند در تحقق بعضی معیارهای سلامت روانی مانند ایجاد خود پنداره مثبت، کنترل درونی و عزت نفس و احیاء برخی ارزش‌های اخلاق اسلامی مانند تقوا، حیا و عفاف نقش‌آفرینی نماید. در انتها نیز به دو پرسش مخالفان طرح تفکیک در دانشگاه‌ها اشاره کرده و به آنها پاسخ داده شد.

منابع

- ابن فارس، احمد (بی‌تا). معجم مقاییس اللغه، بیروت: دار الجیل .
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ ق) لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 اصغری، الهام؛ نجیب مقدم، سعید (۱۳۹۳) بررسی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها به روش گراندد تئوری، محل انتشار: اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- آمار سیمای زندگی (۱۳۹۶). دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان.
 اورا، عبدالمجید (۱۳۹۶) آمار وحشتناک تجاوز جنسی در آمریکا و غرب، شبکه اطلاع‌رسانی دانا، بازیابی در
<http://www.dana.ir/news/1205254.html> از: ۹۸/۱/۲
- بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۸۰) تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجوی، از کتاب: مجموعه مقالات
 هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها، ناشر: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت
 حوزه‌های علمیه خواران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
 جندقی، محسن (۱۳۹۲) تحریک جنسی یا تفکیک جنسی، (قابل دسترس در سایت تبیان، آخرین بازنگری ۱۱
 آبان ۱۳۹۷): <https://article.tebyan.net/256906>.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۴). شناخت نگرش دانشجویان پیرامون وضعیت روابط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و
 آگاهی آن‌ها از حدود شرعی روابط بین دو جنس، تهران، معاونت پژوهش و فناوری جهاد دانشگاهی.
 حسینی نسب، سید داوود؛ وجدان پرست حسین (۱۳۸۱). بررسی رابطه عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی
 دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی مراکز تربیت‌معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۸۱
 شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن الکریم. تحقیق صفوان عدنان داودی.
 بیروت: دار القلم
- رکوعی، ایمان (۱۳۸۶). تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر فرهنگ کشور، از کتاب برنامه‌ریزی فرهنگی
 در دانشگاه‌ها، تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی. همچنین قابل دسترسی از:
[http://mh.farhangolm.ir/Articles](http://mh.farhangolm.ir/Articles/mهندسی-فرهنگی/۱۳۷۸)
- ریسون محمدرضا؛ محمدی یحیی؛ عبدالرزاق نژاد مهدی؛ شریف زاده غلامرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه خود
 پنداره و عزت‌نفس با موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهر قاین در سال تحصیلی
 ۱۳۹۱-۹۲، مراقبت‌های نوین؛ دوره ۱۱، شماره ۳.
- زارع، حمید (۱۳۸۴) الگویی از خودکنترلی در فرهنگ اسلامی، قم، حوزه و دانشگاه، شماره ۴۵.
 سایت مهرخانه (۱۳۹۱) تفکیک جنسیتی؛ راهکاری مقطعی در کاهش اختلاط، کد خبر ۴۲۲۱، بازیابی در
<http://mehrkhane.com/fa/news/4221> از: ۹۷/۴/۱۸
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات
 طریحی، فخر الدین (۱۴۰۸ ق.) مجمع البحرین. تحقیق السید احمد الحسینی. تهران: مکتبه‌ نشر الثقافه
 الإسلامیه.
- طوسی، اسدالله (۱۳۷۸) اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، فصلنامه معرفت، شماره ۳۳، ص ۶۷-۱۰۰،
 بازیابی در ۱۳۹۸/۹/۱۰ از:
<http://marifat.nashriyat.ir/node/1118>
- کاظمی، احسان (۱۳۸۴) بررسی رابطه خود پنداره و سازگاری اجتماعی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی شهر
 اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
 کهنتری، محسن (۱۳۹۸) ارزیابی دیدگاه موافقان و مخالفان تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها از نگاه کتاب و
 سنت، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران.
 گلزاری، محمود (۱۳۹۱) ارتباط آگاهانه با جنس مخالف، تهران، موسسه نشر مهر.

محصل، مرضیه (۱۳۹۴) نگاه قرآن کریم به خویشتن‌داری در رفتارهای خانوادگی؛ پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال ۶، شماره ۲۳.

محمدقاسمی، حمید (۱۳۷۳) اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). ده گفتار. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹) مجموعه آثار، تهران، صدرا.

نامن‌ترین دانشگاه جهان برای زنان و دختران (۲۳ فروردین ۱۳۹۶) سایت خبرگزاری مشرق، بازیابی در ۹۸/۱/۲، از: <https://www.mashreghnews.ir/news/708375>

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البيت.

Bray, B. M. (2000). The influence of academic achievement on a college student's self esteem.

<http://clearinghouse.missouriwestern.edu>

Brownfield, D. & Thompson, K. (2005). Self-Concept and Delinquency: The Effects of Reflected Appraisals by Parent and Peers. *Western Criminology Review*, 6(1).

Brutsaert, H. and Bracke, P. (1994). Gender context in elementary school. *Educational Studies*, 20(1), 3-10.

Caspi, A. Lynam, D. Moffitt, T. E. and Silva, P. A. (1993). Unraveling girls' delinquency: Biological, dispositional, and contextual contributions to adolescent behavior. *Developmental Psychology*, 29(1), 19-30.

Caspi, A. (1995). Puberty and the gender organization of schools: How biology and social context shape the adolescent experience. In L. J. Crockett and A. C. Crouter (eds.), *Pathways through adolescence: Individual development in relation to social contexts* (pp. 57-74). Mahwah, N.J.: Erlbaum.

Cheng, C. (2014). The predictive effects of self-esteem, moral self, and moral reasoning on delinquent behaviors of Hong Kong young people. *International Journal of Criminology and Sociology*, 3, 133-145

Cipriani-Sklar, R. (1996). A quantitative and qualitative examination of the influence of the normative and perceived school environments of a coeducational public school vs. a singlesex Catholic school on ninth-grade girls' science self-concept and anxiety in the area of science education. *Dissertation Abstracts International*, 57(10), 4312A. (UMI No. 9706808)

Cuddy, A. R. (2000) The development of self-concept in adolescent girls attending single-sex and coeducational schools: Exploring the influence of cognitive and social factors. *issertation Abstracts International*, 63(10), 4941B. (UMI No. 3067808)

Eisenkopf, Gerald, Hessami, Zohal Urs Fischbacher, Heinrich W (2014). Ursprung "Academic performance and single-sex schooling: Evidence from a natural experiment in Switzerland". *Journal of Economic Behavior & Organization*.

- Franken, R E (1994) Human motivation, 3rd ed Pacific Grove, CA Brooks/Cole
- Freud S from PSYCH 15 SI at Stanford University.
- Jackson, Caroly (2006) Single-sex and co-educational schooling Retrieved in 1398/1/15 from:
<https://www.telegraph.co.uk/news/religion/11476120/Oxford-Universitys-last-pocket-of-single-sex-education-admits-women.html>.
- Lee, V. E. and Bryk, A. S. (1986). Effects of single-sex secondary schools on student achievement and attitudes. *Journal of Educational Psychology*, 78, 381–395
- Lin CP, Ding GD. (2003). Modeling Information ethics: The joint moderating role of locus of control and job insecurity. *Journal of Business Ethics*; 48(4): 335-346.
- Marsh, H. W. (April 1992). What makes a difference during the last two years of high school: An overview of studies based on High School and Beyond data. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, San Francisco, Calif. (ERIC Document Reproduction Service No. ED349314)
- Purkey, W. W. 1970 *Self-Concept and School Achievement* (New York: Prentice-Hall,)
- Riordan, C. (1990). Short-term outcomes of mixed- and single-sex schooling. In *Girls and boys in school: Together or separate?* (pp. 82–113). New York: Teachers College Press.
- Riordan, C. (1994). Single-gender schools: Outcomes for African and Hispanic Americans. *Research in Sociology of Education and Socialization*, 10, 177–205.
- Sanders, E. (November 1992). Black inner-city males and the Milwaukee Public Schools Immersion Program: A progress report. Paper presented at the annual meeting of the University Council for Educational Administration, Minneapolis, Minn. (ERIC Document Reproduction Service No. ED397212)
- Shin, H. & Yu, K. (2012). Connectedness of Korean adolescents: Profiles and influencing factors. *Asia Pacific Education Review*, 13(4), 593-605.
- Smith A, Coates JD, Deis DR. (1998). Are ethical responses linked to locus of control? *Teaching Business Ethics*; 2(3): 249-260
- Spector PE, Michaels CE. (1986). Personality and employee withdrawal: effects of locus of control on turnover. *Psychological Reports*; 59:63-66
- Vazire, S. (2010). Who knows what about a person? The self–other knowledge asymmetry (SOKA) model. *Journal of personality and social psychology*, 98(2), 281.
- Wikstrom, Per-Olof (2006) *Individuals, Settings and Acts of Crime. Situational Mechanisms and the Explanation of Crime. The Explanation*

of Crime: Context, Mechanisms and Development. (Eds). Cambridge University Press.

Abstract

The issue of whether or not single sex education in universities is one of the most controversial issues that has been debated in various forms since the re-opening of the universities after the Cultural Revolution and has been strongly advocated and opposed. Unfortunately, this has not been the subject of much research and investigation, and most of the comments have no scientific backing. The purpose of this study was to investigate the role of implementation of the separation of girls and boys on the promotion or decrease of students' moral level in universities. The Methodology of this Research is a Documents (library) and Descriptively and analytically reviews the views from sources such as books and articles. In extracting and summarizing the views presented, the impact of the single sex education scheme on the ethical environment of universities has been outlined in five key areas. The results of the present study showed that the creation of single gender spaces in universities is related to their promotion of moral level. Therefore, in policymaking and planning of universities, it is necessary to act in a way that the mixing of boys and girls in this environment is managed optimally.

Keywords: Gender segregation, single sex education, mixing of boys and girls, higher education